

تحلیلی بر رابطه ژئوپلیتیک قوم کرد و امنیت ملی جمهوری

اسلامی ایران با تمرکز بر نظریه هارتشورن

داریوش جهانی^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام رضا(ع)، مشهد، ایران

عزت اله عزتی

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

محمدحسن نامی

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه علوم و فنون فارابی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۸/۰۹

چکیده

ایران کشوری چند قومی است و این تنوع قومی فرصت‌ها و تهدیداتی را متوجه امنیت آن نموده است. واضح است که استقرار گروه‌های قومی در فضای سرزمینی کشورهایی که از تنوع قومی در ساختار جمعیتی خود برخوردارند موجب اتخاذ تصمیمات راهبردی دولت‌ها برای مدیریت اقوام می‌گردد. قوم کرد به‌عنوان یکی از اقوام اصیل و با قدمت بسیار دیرینه در ایران سکونت داشته و همین سابقه تاریخی موجب گردیده تا حس دل‌بستگی و تعلق خاطر ویژه‌ای به این سرزمین داشته باشند و حتی برخی از کردها خود را اصیل‌تر از سایر اقوام ساکن در ایران بدانند. از وجود برخی عوامل و مولفه‌ها مانند نژاد، دین، فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم مشترک به‌عنوان مولفه‌های همگرا و تقویت‌کننده امنیت ملی و برخی مولفه‌ها مانند مذهب، زبان، احساس تبعیض و محرومیت، نخبگان غیرهمسو، ضعف دولت مرکزی، عدم توسعه‌یافتگی، موقعیت حاشیه‌ای و مرزی، وجود گروه‌های قومی مشابه در آن سوی مرز به‌عنوان مولفه‌های واگرا و تهدیدکننده امنیت ملی می‌توان اشاره نمود. در این تحقیق بر اساس نظریه نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز ریچارد هارتشورن، مولفه‌های ژئوپلیتیکی واگرا و همگرای قوم کرد مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که بین مولفه‌های ژئوپلیتیکی قوم کرد و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران رابطه معناداری وجود دارد و در صورت عدم توجه به عوامل واگرایی قوم کرد، در بلندمدت امنیت ملی، تمامیت ارضی و یکپارچگی ملی ایران در معرض خطر قرار خواهد گرفت. در پایان برای تقویت مولفه‌های همگرایی قوم کرد و تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چند پیشنهاد راهبردی ارائه گردید.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، قوم کرد، امنیت، امنیت ملی، واگرایی، همگرایی، هارتشورن

مقدمه

پس از پایان جنگ سرد درگیری‌ها و منازعات قومی یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشورهای محسوب می‌شود. تقویت قوم‌گرایی به‌عنوان یکی از نیروهای فعال اجتماعی تحت تأثیر مسائلی همچون جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی، ملی‌گرایی و عواملی از این دست می‌باشد. ایران به‌عنوان کشوری چند قومی در طول تاریخ با عنوان موزاییک اقوام شناخته شده است. واقع‌شدن جغرافیای سیاسی ایران در گذرگاه عبور اقوام و ملت‌های گوناگون باعث تنوع جمعیتی در این کشور شده، که همین مسئله در طول تاریخ باعث قوام و رونق این سرزمین شده است، اما مسائل قومی تحت تأثیر فرایندها و عواملی، باعث بروز چالش‌هایی شده که عدم توجه کافی به این مسئله، ایران را با وضعیت غیرقابل‌پیش‌بینی در مورد اقوام مواجه خواهد کرد.

در میان اقوام ایرانی، قوم کرد به لحاظ جغرافیایی در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه پراکنده و دارای جمعیت قابل ملاحظه و پیوستگی سرزمینی نیز می‌باشد. همچنین بسیاری از کردها با مهاجرت به کشورهای شمال اروپا، اسکاندیناوی و چند کشور اروپایی دیگر زمینه را برای تحرکات قومی-سیاسی و نیز تزریق آگاهی عمومی و خودآگاهی قومی فراهم آورده‌اند.

وجود سرکوب و سلب آزادی‌های سیاسی در برخی کشورهای منطقه مانند ترکیه آن‌ها را برای تشکیل دولت مستقل مصمم‌تر کرده و این در حالی است که در دهه‌های گذشته چنین وضعیتی در عراق نیز وجود داشته است. از طرف دیگر فتنه‌انگیزی برخی کشورهای فرامنطقه‌ای مانند اسرائیل و ایالات متحده آمریکا و نیز سیاست‌های کشورهای منطقه‌ای، محرکی برای تغییر جغرافیایی و بازتعریف مجدد مرزها گردیده است. تحولات موسوم به بهار عربی و بیداری اسلامی انگیزه حرکت‌های انقلابی و آزادی‌خواه را افزایش داده و همچنین بحران یخ‌زده سوریه، بی‌ثباتی سیاسی را فراهم آورده تا بسیاری از اقوام و گروه‌های ساکن در منطقه به‌ویژه قوم کرد به‌نوعی مرزبندی جدید فکر کنند.

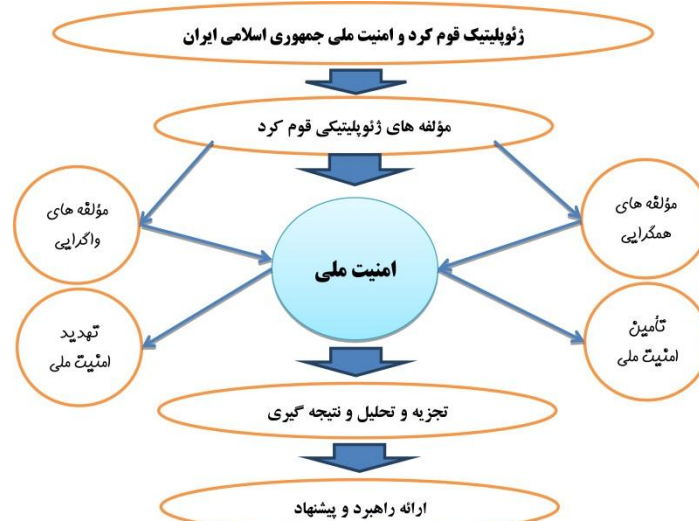
با توجه به اینکه ایران کشوری ذینفع از تحولات منطقه‌ای و جهانی است و همچنین بخشی از ژئوپلیتیک قوم کرد با جغرافیای سیاسی این کشور منطبق است، هرگونه دگرگونی و تحولات در قوم کرد، جمهوری اسلامی را نیز تحت‌الشعاع قرار خواهد داد و امنیت ملی آن را در سطوح خرد و کلان مورد حمله قرار خواهد داد. از طرفی پیدایش و گسترش تفکر تغییر نقشه ژئوپلیتیک منطقه نه تغییر نقشه جغرافیای سیاسی باهدف کاهش قدرت حکومت مرکزی و تقویت قومیت‌ها در قالب واحدهای سیاسی کوچک‌تر در محدوده جغرافیای سیاسی کشورها، باعث شده تا حکومت‌ها دچار تشتت فکری گردند و واحدهای قومی نیز دچار اشتباه شوند. لذا روشن کردن این مفاهیم می‌تواند بسیاری از چالش‌های ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی را کاهش دهد.

بدیهی است قوم کرد به لحاظ گستردگی جغرافیایی و جمعیت قابل‌ملاحظه در آن‌سوی مرزهای ایران و همچنین تفاوت‌های مذهبی با اکثریت حاکم در ایران (شیعه) از اهمیت ویژه‌ای در جغرافیای سیاسی ایران برخوردار است. از طرفی کردها به دلیل داشتن سابقه تاریخی و نیز پیوندهای دیرینه با این سرزمین موجب ثبات سیاسی و انسجام ملی آن شده و به‌گواه تاریخ سیاسی ایران، کردها مؤسس یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های این سرزمین یعنی امپراتوری ماد بوده‌اند، لذا بعید به نظر می‌رسد که تفکر جدایی‌طلبی از قوه به فعل درآید، اما بنا به دلایلی نشانه‌هایی از احتمال

واگرایی و مرکزگرایی آنان نیز در سال‌های اخیر مشاهده شده است. علی‌ای حال شناخت ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و انگیزه‌های این قوم برای همگرایی و واگرایی سیاسی اهمیت بسزایی دارد، به طوری که به نظر می‌رسد بین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قوم کرد رابطه معناداری وجود داشته باشد.

روش اجرای این تحقیق، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ ماهیت با توجه به اهداف آن یک تحقیق کاربردی است. برای گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه و فیش‌برداری از منابع مکتوب معتبر، ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها و سایت‌های معتبر اینترنتی، پایان‌نامه‌های ارشد و رساله‌های دکتری، سالنامه‌ها، پروژه‌های تحقیقاتی انجام شده و... استفاده شده است.

مدل تحقیق



Source: Authors

مفاهیم

ژئوپلیتیک^۱: درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیاتی ملی را حفظ کرد (Ezzati, 2009:7). عواملی که در ژئوپلیتیک مؤثرند به دو دسته کلی «عوامل ثابت» و «عوامل متغیر» تقسیم‌بندی می‌شوند. عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی هستند و عوامل متغیر که ممکن است برخی از آنها نیز منشأ طبیعی داشته باشند به دلیل مطرح بودن نقش کمیت در آنها، جزء عوامل متغیر محسوب می‌شوند. موقعیت جغرافیایی در بین عوامل ثابت و انسان در بین عوامل متغیر، نقش دو قطب اصلی را در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی ایفا می‌کنند. عوامل ثابت ژئوپلیتیک عبارت‌اند از: (۱) موقعیت جغرافیایی (۲) فضا و تقسیمات آن (۳) وسعت خاک (۴) وضع توپوگرافی شامل الف) مرزها: ب) شبکه آب (هاج) ناهمواری‌ها، (۵) شکل و عوامل متغیر ژئوپلیتیک عبارت‌اند از: (۱) جمعیت (۲) منابع طبیعی که به دو گروه الف) منابع غذایی ب) منابع معدنی تقسیم می‌شوند: (۳) نهادهای سیاسی و اجتماعی (Ibid:78-105).

^۱ - Geopolitics

قوم^۱: به نظر اسمیت قوم عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت (Smith, 1998:186).

قوم کرد: گروهی از مردم کرد که دارای ویژگی‌های مشترک زبانی، فرهنگی، تاریخی، وابستگی و حس همبستگی به یکدیگر می‌باشند و در جنوب غرب آسیا، در چهار کشور ترکیه، ایران، عراق، سوریه و همچنین برخی نواحی منطقه قفقاز ساکن می‌باشند. در این پژوهش تأکید بر کردهای ساکن داخل کشور می‌باشد.

امنیت^۲: در دانشنامه سیاسی آمده است: «امنیت را در لغت به حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله می‌گویند» (Mehri, 2002:۷۷). رابرت ماندل معتقد است امنیت یک مفهوم چندوجهی است و به همین جهت درباره معنای آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد. تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی "احساس آزادی از ترس" یا احساس ایمنی^۳ که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تأکید دارند (Mandel, 1998:44).

امنیت ملی^۳: امنیت ملی بزرگ‌ترین دغدغه هر نظام سیاسی است که با عناصر اقتصادی، ایدئولوژیکی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی پیوند خورده است. قدمت اندیشه درباره مفهوم امنیت به آغاز حیات اجتماعی انسان بازمی‌گردد. در عین حال مجادلات درباره امنیت از پایان جنگ جهانی دوم به بعد وارد مجامع دانشگاهی علمی شد (Ghanbari, 2014:23).

رابرت ماندل در تعریف امنیت ملی می‌گوید: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (Mandel, 1998:52). براساس تعریف کالج دفاع ملی کانادا، امنیت ملی یعنی حفظ راه و روش زندگی قابل پذیرش برای همه مردم و مطابق با نیازها و آرزوهای مشروع شهروندان. این امر شامل رهایی از حمله فشار نظامی، براندازی داخلی و نابودی ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود که برای کیفیت زندگی ضروری هستند (Rabee'I, 2005:13).

همگرایی: همگرایی عبارت است از احساس تعلق و همبستگی اجزای ملت با تمام عناصر تشکیل‌دهنده کشور اعم از سرزمین، نظام سیاسی و ملت، به طوری که افراد بین خود و این عناصر احساس جدایی و تفاوت نکنند (Alipour, 2011:121). از نظر لغوی همگرایی به مفهوم تشکیل یک کل به وسیله اجزاء است. همگرایی را ایجاد همبستگی نیز می‌نامند. همگرایی اساساً به یک انسجام قوی در روابط درون یک جامعه یا درون یک واحد سیاسی مربوط می‌گردد. این امر به ادراک جمعی و گروهی و خودآگاهی اشاره دارد. همگرایی در سطح ملی به درجه انسجام درونی کشور بستگی دارد (Golverdi, 2012: 129).

¹- Ethnic

²- Security

³- National Security

واگرایی: واگرایی عبارت از احساس جدایی بالقوه یا بالفعل اقوام با تمام یا بخشی از عناصر تشکیل دهنده است (Alipour, 2011:121). واگرایی به معنای عدم انسجام و توافق گروه‌ها و بازیگران سیاسی در درون یک واحد سیاسی برای رسیدن به هدف مشخص تعریف می‌شود (Golverdi, 2012:130).

نظریه نیروهای گریز از مرکز^۱ و نیروهای گراینده به مرکز^۲ هارتشورن: هارتشورن معتقد است که در درون کشور و در هر لحظه‌ای، توازنی خاص میان نیروهایی وجود دارد که آن‌ها را نیروهای مرکزگریز و مرکزگرا می‌نامند. نیروهای مرکزگریز نیروهایی هستند که کار دولت را برای یکپارچه کردن مردم و قلمرو در یک مجموعه منسجم و هماهنگ، مشکل می‌کنند. اختلافات فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی میان جمعیت‌ها یا موانع جغرافیایی و تماس میان مناطق مختلف، همگی می‌توانند در حکم نیروهای مرکزگریز عمل کرده و اجزای کشور را از هم دور کنند. مهم‌ترین نیروی مرکزگرا چیزی بود که هارتشورن آن را علت وجودی حکومت نامید. علت وجودی یا اندیشه حکومت، در برگیرنده اعتقادات یا آرمان‌های مهم خاصی است که می‌تواند بخش اعظم جمعیت یک کشور را با یکدیگر متحد سازد. هرچه میزان جمعیتی که از اندیشه حکومت حمایت نمی‌کنند، بیشتر باشد، آینده کشور احتمالاً از امنیت کمتری برخوردار خواهد بود (Moyer, 2000:200).

به نظر هارتشورن، به هم پیوستن یک ملت به دو انگیزه دیالکتیک بستگی دارد: «نیروهای گریز از مرکز» که اجزای تشکیل دهنده یک موجودیت بالقوه را به سوی متلاشی شدن می‌راند و «نیروهای گراینده به مرکز» که اجزای تشکیل دهنده کشور و ملت را به هم نزدیک می‌کند و پیوسته نگاه می‌دارد (Mojtahedzadeh, 2002:34). هارتشورن در تشریح نظریه خود می‌گوید: «این نیروها در ساخت، بقاء و اضمحلال حکومت نقش ویژه‌ای را بازی می‌نمایند. به طوری که عوامل گریز از مرکز شامل خصوصیات سرزمینی، اندازه و شکل نامناسب کشور و مسائل قومی-جمعیتی، با توجه به بعد مسافت بر حکومت تأثیرگذار می‌باشند (Mehrabi, 2007:67).

رابطه قومیت و امنیت: امنیتی دیدن حقوق قومیت‌ها یعنی این که حقوق قومیت‌ها به عنوان تهدیدی وجودی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین حوزه کارآمدی و مسئولیت‌پذیری دولت در برابر آن کاهش یافته و قومیت‌ها قابلیت مذاکره و انعطاف‌پذیری خود را از دست داده، انکار یا سرکوب می‌شوند. امنیتی دیدن مسئله قومیت‌ها که به سیاست‌های همانندسازی دولتی منجر می‌گردد سبب پذیرش ارزش‌ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر توسط اقوام و جذب و هضم آن‌ها در بطن گروه برتر می‌شود (Salehi Amiri, 2006:350). با توجه به تغییر محیط امنیتی نظام بین‌الملل و اهمیت یافتن بعد نرم‌افزاری امنیت یا همان ظرفیت سیاسی کشورها، نارضایتی سیاسی قومیت‌ها نه تنها می‌تواند بعد نرم‌افزاری امنیت دولت را تهدید کند بلکه می‌تواند زمینه‌بهر برداری فرصت‌طلبانه کشورهای خارجی به بهانه‌های مختلف را فراهم آورد. برخورد سخت‌افزارانه، امنیتی و سیاسی با گروه‌های قومی سبب افزایش احساس محرومیت سیاسی و اقتصادی در آن‌ها می‌شود. این مسئله احساس رضایت، حساسیت، اعتماد و مشارکت سیاسی قومیت‌ها، توان سیاست‌سازی دولت در زمینه حفظ یکپارچگی، انسجام و هویت ملی را کاهش داده، زمینه بهره‌برداری فرصت‌طلبانه کشورهای بیگانه را فراهم می‌آورد.

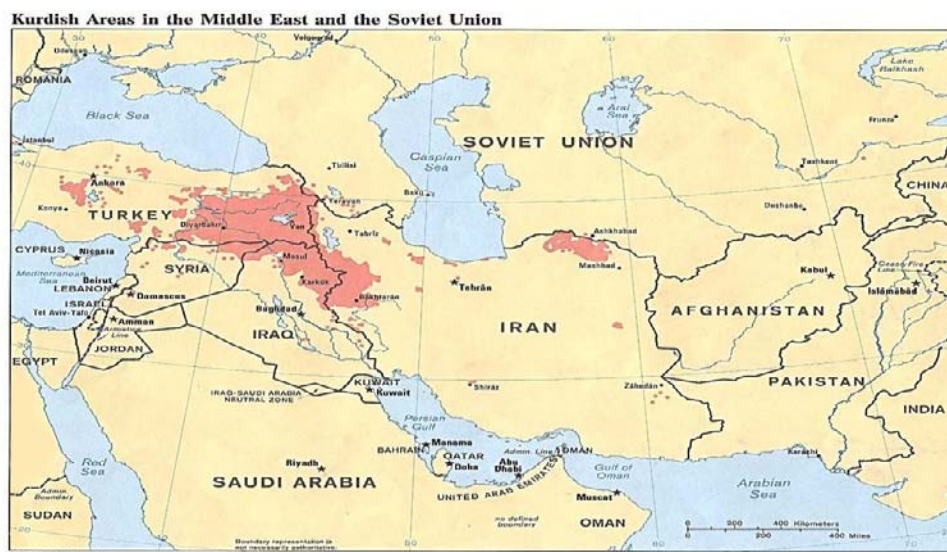
¹-Centrifugal Forces

²-Centripetal Forces

یافته‌های تحقیق

کلیات جغرافیای طبیعی

(۱) **موقعیت جغرافیایی:** کردستان بین پنج دولت خاورمیانه‌ای، بین چهار سازه تمدنی و فرهنگی بین چهار فلات ایران، عربستان، آناتولی و قفقاز و در مسیر گذرگاه میان قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است (Abdi, 2010:181). این منطقه محل تلاقی فرهنگ‌های ایرانی، ترک، عرب و همچنین گستره تلاقی ادیان زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام بوده است (Kaviani, 2010:187). مناطق کردنشین ایران که دنباله فرامرزی آن‌ها در سطح سه کشور عراق، ترکیه و سوریه تداوم دارد، عمدتاً در برگرنده نواحی غربی کشور ایران، از شمال تا نزدیکی مرزهای کشور آذربایجان به صورت پراکنده و در مناطق کردستان و کرمانشاه به طور متمرکز و در مناطق جنوب غربی با ترکیبی از اقوام لر در استان‌های ایلام به صورت پراکنده و تا حدودی کمی نیز در لرستان می‌باشد (Hafeznia, 2006:79). علاوه بر مناطق یادشده؛ کردها در مناطق شمال شرقی در استان‌های خراسان شمالی و گلستان، شمال دامنه‌های البرز واقع در استان‌های مازندران، گیلان و مناطقی از استان‌های اردبیل، نواحی مرکزی کشور شامل استان‌های قزوین، تهران و همچنین در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی و فارس با جمعیتی اندک پراکنده می‌باشند (Golverdi, 2012:198).



شکل ۱: نقشه منطقه کردنشین در خاورمیانه

Source: <http://www.lib.utexas.edu/maps>

(۲) **توپوگرافی:** جغرافیای طبیعی استان‌های غربی کشور با ناهمواری‌ها و اشکال ویژه‌ای عجین است. سلسله جبال زاگرس به عنوان نماد کردها در امتداد شمال غرب- جنوب شرق کشیده شده‌اند و از شمال به سمت جنوب بر میزان ارتفاعات کاسته می‌شود. علاوه بر وجود کوه‌ها و قله‌های مرتفع؛ فلات‌های مرتفع با دشت‌های وسیع و حاصلخیز نیز در این مناطق گسترده شده‌اند. کوه‌های غربی کشور به دلیل خصوصیات ساختمانی خود از دره‌های تنگ و باریک زیادی تشکیل شده که یکی از مهم‌ترین موانع ارتباطی در منطقه به شمار می‌روند.

وجود ناهمواری‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها، رودها و خط سیر مرزها امکان انجام عملیات پارتیزانی و تعقیب و گریز و استتار را برای گروه‌های قومی ناهمساز در غرب و شمال غرب کشور را بهتر فراهم می‌سازد. در مقابل نیروهای

دولتی با مشکلاتی چون ناآشنایی به منطقه، معضل تردد و حمل و نقل و چگونگی عملیات پشتیبانی در معرض آسیب پذیری بیشتری هستند. بسیاری از مناقشات قومی در ایران به ویژه بعد از انقلاب اسلامی در مناطقی واقع شده اند که از شرایط توپوگرافی و جغرافیایی کم و بیش بهره مند بوده اند. البته در این میان وضعیت جغرافیایی مناطق کردنشین امکانات بیشتری را پیش روی گروه های کرد ناهمساز فراهم می سازد.

موقعیت مناسب جغرافیایی در ارتباط با مناطق کردنشین به شکل های زیر متصور و قابل بحث است: (۱) استقرار در حاشیه مرزهای غربی کشور (۲) هم مرزی با اکراد ترکیه و عراق و سوریه (۳) کوهستانی بودن، طبیعت خشن و صعب العبور بودن (۴) امکانات محدود مواصلاتی - ارتباطی (۵) نحوه استقرار روستاهای کردنشین (Mohsenizadeh, 2010:41). در مجموع مناطق کردنشین ایران و سایر کشورها به لحاظ وضعیت توپوگرافی، وجود کوه های بلند، دره های عمیق، رودهای فراوان و منابع عظیم آبی، منابع زیرزمینی و سطحی از اهمیت ژئوپلیتیکی ویژه ای برخوردار می باشند. این وضعیت همواره تأثیر فراوانی در تعیین سیاست های قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای نسبت به مسئله کرد و کردستان داشته است.

اساساً هرگاه مرزهای سیاسی یک کشور با سرحدات طبیعی به ویژه ارتفاعات، هماهنگ باشد، شرایط پدافندی مطلوب تری برای آن کشور فراهم می شود. اگرچه پیشرفت فناوری تا حد زیادی در ارزش سیاسی و نظامی ارتفاعات تغییراتی به وجود آورده، اما ارتفاعات همچنان به شکلی در مسائل ژئوپلیتیکی کشورها مؤثرند. ارتفاعات موجب کندی حرکات زمینی و محدودیت در ایجاد شبکه های ارتباطی می شوند و این امر بر شیوه های اقتصادی و تولیدی تأثیر مستقیمی دارد؛ مثلاً کشوری که در یک موقعیت کوهستانی قرار گرفته بیشتر به استقرار صنایع کوچک و سبک گرایش می یابد تا صنایع سنگین و چه بسا در مراحل تکاملی آن صنعت، به درجه تخصص برسد. چنین کشوری اگر مکمل سرزمین های اطرافش نباشد، علاوه بر پیشرفت و توسعه، امکان درگیری نظامی کمتری برای فراهم می شود. شکل ناهمواری ها در جابه جایی های داخلی جمعیت و امکانات تأثیر می گذارد و موجبات بروز نابرابری های ناحیه ای و در نتیجه تقویت افکار جدایی را فراهم می کند. در واقع یکی از مشکلات ژئوپلیتیکی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ناشی از همین وضع است.

۳) وسعت: در ارتباط با جمعیت و وسعت مناطق کردنشین دو دسته دیدگاه وجود دارد. یک گروه برخی از دولت های دارای جمعیت کرد و مخالفان کردی هستند که نگاه حداقلی و توأم با تفریط به مسائل کردی دارند و گروه دوم موافقان و ناسیونالیست های افراطی کرد می باشند که نگاهی حداکثری و افراطی به جمعیت و وسعت مناطق کردنشین دارند. علی ای حال کردستان سرزمینی است در منطقه خاورمیانه، به وسعت تقریبی ۴۰۹۶۵۰ کیلومتر مربع که ۱۹۴۴۰۰ کیلومتر مربع آن در ترکیه، ۱۲۴۹۵۰ کیلومتر مربع آن در ایران، ۷۲۰۰۰ کیلومتر مربع آن در عراق و ۱۸۳۰۰ کیلومتر مربع آن در سوریه واقع شده است، که از نظر اکولوژیکی زیستگاه و موطن کردها راتشکیل می دهد (Hafeznia, 2006:9). به عبارتی ۳۳ درصد از وسعت مناطق کردنشین متعلق به ایران می باشد.

۴) منابع: ارزش حقیقی و واقعی هر کشوری به فراوانی و کیفیت منابع بستگی دارد. ثروت یک کشور، وابسته به طرز استفاده آن کشور از منابع و تولیدات خود است. کردستان منطقه ای استراتژیک است که در دل جغرافیای

خاورمیانه قرار گرفته و مناطق مهم کشورهای عراق، ترکیه، ایران و سوریه را در برمی‌گیرد و منطقه‌ای کوهستانی است که از جهت توپوگرافی، نقش مؤثری در میزان بارش باران و برف و وجود منابع آبی زیرزمینی دارد. رشته‌کوه‌های زاگرس و آرات که از اصلی‌ترین رشته‌کوه‌های کردستان هستند، از جهت پراکندگی و نحوه‌ی قرارگرفتن و مکان آن‌ها از دلایل عمده‌ی بارش باران و برف در کردستان به شمار می‌روند. بارش برف در قله‌ی کوه‌ها و بلندی‌ها، سرچشمه‌ی اصلی آب رودخانه‌های بزرگ کردستان را تشکیل می‌دهند. بارش باران در کوهپایه‌ها و جنگل‌ها سرچشمه‌ی آب‌های زیرزمینی است. منطقه غرب کشور به دلیل وجود رشته‌کوه زاگرس، یکی از غنی‌ترین مناطق پر آب ایران است، آب رودخانه‌ها و رودهای جاری، دریاچه‌های زیربار و ارومیه و سدها و... آب‌های زیرزمینی کردستان را تأمین می‌کنند.^۱

از آنجایی که منطقه خاورمیانه در کمربند خشک و نیمه‌خشک زمین قرار دارد و مناطق کردنشین به لحاظ برخورداری از منابع آبی خودکفا می‌باشند، در نتیجه آب به‌عنوان یک منبع طبیعی، قدرت هیدروپلیتیکی ویژه‌ای را در اختیار کرده‌ها قرار داده است و این عامل می‌تواند در چانه‌زنی‌های آینده و مناقشات اکراد نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا نماید. مناطق غرب و شمال غرب کشور از نظر منابع سطحی و عمقی تا حدود زیادی غنی است. از مهم‌ترین معادن می‌توان به معادن طلا، آهن، مس، انواع سنگ‌های ساختمانی که از اهمیت خاصی برخوردار است، اشاره نمود برخی دیگر از معادن استان‌های غربی کشور شامل معادن: مرمر و مرمریت، سنگ لاشه ساختمانی، شن و ماسه کوهی، سنگ آهن، باریت، سنگ آهک، سنگ گچ، پوکه معدنی، سنگ نمک، گرانیت، دولومیت، سیلیس و فلدسپات، منگنز و شیل می‌باشد. وجود غنی‌ترین چاه‌های نفتی جهان در منطقه اقلیم و همچنین برخی استان‌های غربی کشور یکی دیگر از منابع عظیم زیرزمینی مناطق کردنشین می‌باشد. همین منابع انرژی از طرفی به کردها قدرت ژئوپلیتیکی خاصی بخشیده و از طرفی دیگر باعث شده تا بسیاری از بازیگران بین‌المللی چشم طمع به این مناطق داشته باشند و از کردها استفاده ابزاری نمایند.^۲ کما اینکه در دوران شوروی سابق چه کردهای ایران (کومله و دموکرات) و چه کردهای ترکیه (پ. کا. کا) دارای تفکرات سوسیالیستی بودند، اما امروز با فروپاشی شوروی این تفکرات در مقیاس وسیعی توخالی از ایدئولوژی است (Ezzati, 2014). نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که مناطق کردنشین به لحاظ زیرساخت‌های توسعه اقتصادی و زیر بنایی از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. این در حالی است که ظرفیت‌های بالقوه عظیمی در این مناطق در بخش‌های مختلف اقتصادی و زیر بنایی وجود دارد که می‌تواند موجب شکوفایی، آبادانی و پیشرفت این مناطق گردد. بنابراین ضرورت دارد که دولت توجه ویژه‌ای به مسائل و مشکلات این مناطق بنماید.

(۵) مرز: در دوره مادها مرزهای سیاسی از غرب به رود فرات و آسیای صغیر، از جنوب به کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان، از شمال به جیحون، دریای خزر و قفقاز و از شرق به هند محدود می‌شد و طول مرزهای آن در دوره اوج خود به حدود ۱۲ هزار و ۶۷۵ کیلومتر می‌رسید. حدود مرزهای ایران حاصل معاهدات و قراردادهایی است که بین دولت‌های ایران و عثمانی طی قرون گذشته منعقد گردید. مرزهای غربی ایران حاصل عهدنامه‌های متعددی

^۱-<http://www.kurdistanmedia.com>

^۲-<http://mohsentahmasebi.blogfa.com>

است که از ۱۵۵۵ تا ۱۹۷۵ منعقد شده است. این عهدنامه‌ها عبارت‌اند از آماسیه، قصرشیرین، گردان، ارزروم. طول فعلی مرزهای غربی ایران به طول ۲۰۹۵ کیلومتر می‌باشد (Hafeznia, 2012:307-308). در امتداد مرز میان ایران و ترکیه دو ناحیه مرزی ساوجبلاق مکرری در شمال و ساوجبلاق سنه در جنوب مشاهده می‌شود. توپوگرافی مرتفع و پیچیده ناشی از برخورد ادامه کوه‌های توروس و آارات در منطقه کردستان ژئوپلیتیک خاصی در این ناحیه مرزی به وجود آورده است که انسان را بر طبیعت چنان مسلط نموده است که میان دولت‌های مرکزی عراق، ترکیه و ایران نقش آفرینی می‌کند و دولت‌ها روابط خود را براساس واقعیات ژئوپلیتیکی کرد تنظیم می‌نمایند. واقع شدن سیصد کیلومتر مرز میان ایران و عراق در استان کردستان، پیچیده بودن توپوگرافی، معابر مهم و سوق‌الجیشی، پوشش گیاهی تنک و کم ارتفاع عملیات زمینی به داخل عراق را مشکل اما انسان همگرا با دولت مرکزی ایران این دشواری را متعادل می‌نماید. ایلات اردلان، گلباغی، مندمی، جاف و سایر عشایر ایرانی الاصل ساکن در کردستان ایران و عراق ترکیه از عوامل ژئوپلیتیکی نافع برای ایران می‌باشند.

مرز میان ایران و عراق در منطقه کرمانشاه طبیعی و با دولت مرکزی ایران همراه است. کاسته شدن از میزان ارتفاعات از شرق به غرب و مایل شدن ارتفاعات نسبت به خط مرز سبب به وجود آمدن دره‌های عمیق کشیده شده به سمت عراق است که شرایط عالی برای هر نوع عملیات نظامی اعم از آفندی و پدافندی را برای ایران تا ارتفاعات همدان به وجود آورده است و برخلاف کردستان که ارتفاعات بلند و پیچیده آن مانع عملیات سنگین زمینی است، مرز در این ناحیه به نفع ایران عمل می‌کند. وجود جلگه‌های کنگاور، صحنه و کرمانشاه، ماهیدشت، اسلام‌آباد، کزند و دهلیز پاتاق عرصه مانور نیروهای زمینی است. نواحی مرزی ایران و عراق در لرستان و ایلام نیز شرایط پدافندی عالی را برای ایران دارد. جهت و ارتفاع کوه‌ها همراه با رودهای متعدد سبب به وجود آمدن این شرایط برای ایران شده است (Pishgahifard, 2010:70).

هارتسورن مرزها را براساس درجه تطبیق آن‌ها با گروه‌های نژادی و فرهنگی، چهار نوع مرز را شناسایی کرده است: مرزهای قبل از اسکان، مرزهای تطبیقی، مرزهای تحمیلی و مرزهای متروکه. وی معتقد است مرزهای تحمیلی بدون توجه به الگوهای قومی - فرهنگی با توافق دولت‌ها کشیده شده و سبب شده تا مردمی که از یک قوم یا نژاد یا دین و زبان هستند در دو کشور واقع شوند و تحت حاکمیت‌های جداگانه‌ای قرار گیرند. این‌گونه مرزها از جمله مرزهایی هستند که به دلیل همگرایی‌های میان افراد یک گروه قومی در دو طرف آن موجب تضعیف دولت مرکزی و واگرایی با آن می‌شوند. در این نوع مرز نظر به این‌که کدام‌یک از دو دولت همسایه قوی باشد و سازوکارهای حکومتی بکار گرفته او چقدر پاسخگوی نیازهای مردم مرزی باشد می‌تواند برای دولت‌ها مفید یا مضر باشد. مرز ایران در غرب و شمال غرب با ترکیه و عراق از این نوع مرز است (Moyer, 2000:60).

کلیات جغرافیای انسانی

۱) جمعیت: ساده‌ترین شکل مطالعه جمعیت کشورها از دیدگاه ژئوپلیتیک، مطالعه نحوه توزیع جغرافیایی آن‌هاست. آنچه بدیهی است در تجزیه و تحلیل جمعیت نباید تنها به جنبه‌های کمی توجه کرد؛ زیرا مهم‌ترین عامل در ژئوپلیتیک، انسان است. دکتر عزتی معتقد است تمام پدیده‌های محیط طبیعی چه ثابت و چه متغیر، در یک قطب و

انسان به تنهایی در قطب دیگر قرار دارد. علاوه بر مسئله کیفیت جمعیت، مسئله دیگری که لازم است سیاست‌گذاران کشور بدان توجه کنند، توزیع متناسب جمعیت با وسعت کشور است؛ زیرا عدم توجه به این مسئله اساس امنیت کشور را در درازمدت به خطر می‌اندازد.

الگوی پخش جمعیت در پهنه سرزمین ایران نامتعادل و نامتوازن است. دلایل عمده پدیدار شدن این الگو را باید در الگوی پخش دو دسته عوامل دانست که جمعیت به تبعیت از آن‌ها، در فضای ایران استقرار یافته است: (۱) الگوی پخش نامتعادل زیستی، نظیر آب، خاک، فضا، اقلیم و منابع طبیعی (۲) الگوی پخش نامتعادل فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی. الگوی پخش بنیادهای زیستی تا اندازه زیادی جبری است؛ ولی الگوی پخش فرصت‌ها غیرجبریزاییده سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی و نبود سیاست‌ها و طرح‌های آمایش سرزمین است؛ بنابراین در جاهایی که بنیادهای زیستی و فرصت‌ها هر دو موجودند، بیشترین تراکم جمعیتی مشاهده می‌شود، مانند استان تهران، استان‌های شمالی و ساحلی، استان‌های شمال غربی و زاگرس مرکزی. برعکس مناطق مرکزی، جنوبی، شرقی و جنوب شرقی ایران دچار کمبود ضرورت‌های زیست و فرصت‌ها هستند، کمترین تراکم جمعیت را دارند (Hafeznia, 2012:138).

آمار جمعیتی قابل اعتمادی در هیچ جا در مورد تعداد جمعیت کردها وجود ندارد. بیشتر ارقام موجود نیز به جای آنکه متکی بر پایه‌های علمی و دقیقی باشند، بر مسائل سیاسی - امنیتی و خاستگاه ارائه‌دهندگان تکیه دارند. ملیون کرد طبعاً درباره شمار جمعیت مردم خود اغراق می‌کنند و کشورهای دارای اقلیت کرد نیز یا در این باره اطلاعاتی منتشر نمی‌کنند یا اطلاعات تحریف شده‌ای در این زمینه ارائه می‌کنند. عمده‌ترین مشکل در برآورد واقعی جمعیت کردها را می‌توان به علت موارد زیر دانست: (۱) پراکندگی منطقه‌ای کردها (۲) مشخصه‌ها و ویژگی‌های کرد بودن (۳) پراکندگی در سطح استان‌های مختلف کشورهای مربوطه (۴) عدم وجود آمار رسمی به دلایل سیاسی - امنیتی (Salehi Amiri, 2006:162). محمدی و خالیدی در خصوص جمعیت کردها جدول جمعیتی ذیل را ارائه نموده‌اند.

جدول (۱): میزان جمعیت کرد کشورهای منطقه

ردیف	نام کشور	کل جمعیت (نفر)	درصد جمعیت کرد	میزان جمعیت کرد (نفر)
۱	ترکیه	۷۲۹۳۲۰۰۰	۲۳	۱۶۷۷۴۳۶۰
۲	عراق	۲۸۵۱۳۰۰۰	۲۳	۶۵۵۷۹۹۰
۳	ایران	۷۰۴۷۲۸۴۲	۱۰	۷۰۴۷۸۴۲
۴	سوریه	۱۸۵۴۲۰۰۰	۹	۱۶۶۸۷۸۰
۵	لبنان	۳۸۳۴۰۰۰	۶/۱	۲۳۳۸۷۴
۶	کویت	۳۰۸۴۰۰۰	۱۰	۳۰۸۴۰۰
۷	CIS	۵۰۰۰۰۰
				۳۳۰۹۰۶۸۸

Source: Mohammadi & Khaledi, 2012:38

در مورد جمعیت کردها ارقام متفاوتی از جانب دولت‌های منطقه و احزاب کردی ارائه می‌شود که بازتاب ملاحظات سیاسی موجود در این زمینه است (Younesi, 2001:18). گلوردی در کتاب «اقوام ایرانی و زمینه‌های همگرایی» جمعیت کردها را بین ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر تخمین می‌زند که ۷ درصد از کل جمعیت ایران، ۲۰ درصد جمعیت ترکیه، ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت عراق و ۱۱ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند (Golverdi, 2012:196).

عزتی آخرین آمار جمعیتی کردها را در یک مصاحبه حضوری در مهرماه سال ۱۳۹۳ حدود ۳۰ میلیون نفر و نحوه توزیع این جمعیت به همراه توزیع وسعت مناطق کردنشین را در چهار کشور ترکیه، ایران، عراق و سوریه این گونه بیان کردند: ۵۰ درصد جمعیت و وسعت مناطق کردنشین در ترکیه، ۳۳ درصد در ایران، ۱۷ درصد در عراق و ۳ درصد در سوریه و قفقاز می‌باشد (Ezzati, Interview, 2014). قابل ذکر است که از جمعیت پراکنده کردها در اروپا، آمریکا، استرالیا، کانادا و اسرائیل به‌عنوان دیاسپورای کرد یاد می‌شود. جامعه‌ی دیاسپورای کرد حداقل ۲ میلیون نفر و حداکثر ۳ میلیون نفر یعنی ۶ تا ۹ درصد کل جمعیت کردها را تشکیل داده است (Mohammadi & Khaledi, 2012:145).

۲) زبان: زبان ابزار اصلی ایجاد پیوند بین فرهنگ‌های بشری بوده و به افراد یک گروه امکان برقراری آزادانه ارتباط با یکدیگر را می‌دهد، و درعین حال بین اعضای گروه‌های زبانی که نمی‌توانند با هم گفتگو کنند یک نوع مانع و رادع محسوب می‌شود. به‌طورکلی زبان همچون یک مانع یا صافی از تداخل متقابل فضایی دو ناحیه جلوگیری می‌کند و این عمل یکی از خواص مهم زبان به‌صورت علل جدایی به شمار می‌آید (Haget, 2004:9).

گوش یک قبیله با قبیله دیگر از اکراد دارای تفاوت‌هایی است، ازاین‌رو این زبان در ناحیه وسیع کردستان چه در ایران و چه در خارج از ایران به شاخه‌هایی تقسیم‌شده و هر شاخه نیز گوش‌های متعددی دارد (Jalaeepour, 1993:91). به‌طورکلی شرایط اقلیمی، فرهنگی و سیاسی از مهم‌ترین عواملی است که منجر به ایجاد زیرشاخه‌ها و لهجه‌های بسیار متفاوت در زبان کردی شده است. برخلاف بیشتر گروه‌های اقلیتی خاورمیانه، کردها موفق نشده‌اند یک زبان واحد به وجود آورند. این موضوع نه‌تنها مانع از تشکیل یک‌جامعه کرد متحد شده است، بلکه از اهمیت زبان به مثابه کد هویت قومی برای قوم کرد کاسته است. نادر انتصار دلایل ناهمگنی لهجه‌های زبان کردی را به سه علت نسبت می‌دهد: ۱) کوهستانی بودن کردستان ۲) عدم وجود یک ساختار حکومتی متمرکز و قوی کرد ۳) پیدایش سیستم دولت-ملت مقتدر در خاورمیانه در قرن بیستم.

زبان کردی یکی از قدیمی‌ترین زبان‌های ایرانی است که تحقیقات گسترده درباره آن انجام گرفته است. دیاکونوف مستشرق روسی معتقد است زبان کردی یکی از شاخه‌های زبان مادری است که بقایای آن در گوش‌های تاتی، تالشی، آذری، گیلانی، طبری، سمنانی، اورامانی و... محفوظ مانده است. نزدیکی ماد و پارس به یکدیگر صرفاً جغرافیایی و نژادی نبوده، بلکه می‌توان گفت که آنان از نظر زبانی هم به یکدیگر نزدیک بودند. هرودت گفته است که مادها و پارس‌ها زبان یکدیگر را می‌فهمیدند. زبان کردی هم مانند زبان فارسی بازمانده زبان‌های کهن ایرانی از جمله زبان پهلوی است (Sajjadi, 1999:132).

برخی پژوهشگران معتقدند که زبان کردی از لغات بیگانه پیراسته‌تر مانده است و بسیاری از اصطلاحات ایران باستان را در بر دارد (Shams, 2013). آنچه که باعث شده است زبان کردی به‌ویژه برخی از شاخه‌های آن مانند هورامی‌نزدیکی خود به زبان‌های باستانی و میانه را بیشتر حفظ کند، این بود که این زبان در طول تاریخ، زبان افواهی مردم بود و زبان هیچ دولت و درباری نشد (Almasi, 2006:30). تقسیم‌بندی‌های فراوانی در ارتباط با لهجه‌های کردی صورت گرفته است. نیکیتین، کنیل و کندال زبان کردی را به ۵ شاخه کرمانجی، سورانی، گورانی، کلهر و لری تقسیم کرده‌اند (Salehi Amiri, 2006:164). به‌طورکلی زبان کردی به‌عنوان یک عامل هویت بخش و تقویت‌کننده

هویت قومی نقش اساسی در ساختار امنیت کشورهای دارای جمعیت کرد دارد که البته ایران نیز علیرغم اشتراک در ریشه زبان کردی و فارسی، از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. نتایج بررسی‌های پیشین نشان می‌دهد میزان گرایش به زبان کردی در بین کردها بالاست.

(۳) نژاد: نژاد عبارت از دسته یا گروه‌های انسانی که دارای خصوصیات جسمانی مشترکی که بنا به اصل توارث به آن‌ها رسیده است می‌باشد. هرچند این گروه‌ها از نظر آداب و رسوم همانند نباشند. مستشرقین و نژاد شناسان مطالب گوناگونی در مورد نژاد کردها نوشته‌اند. در آثار به‌جای مانده از یونانیان باستان نام کاردخوی آمده است و گزنفون، ساکنان زاگرس را به این نام خوانده است (Golverdi, 2012:193). نویسنده و محقق کرد ایرانی مرحوم رشید یاسمی معتقد است: «کرد یکی از شاخه‌های درخت کهنسال و برومند نژاد ایرانی است. همواره در نقاط مختلف ایران با عزت و احترام زیسته و پیوند محکم را به سایر شاخه‌های این درخت مربوط ساخته، یک قسم سرگذشت تاریخ آن‌ها را به هم اتصال بخشیده است» (Yasemi, 1986: 7). اوژن پیتارد نیز از سه شاخه ملت ایران، فارس، کرد و ارمنی نام برده است و می‌گوید در میان اقوام ایرانی، کردها از همه اصیل‌ترند، زیرا سرزمین محل سکونتشان کوهستانی و صعب‌العبور و کمتر مورد تهاجم واقع شده است (Ibid:194). نژاد آریایی بنابر اسناد و مدارک موجود اولین نوع بشری هستند که بنیان‌گذار زندگی نوین و تمدن دنیای باستان بوده و با درایت و عقل ذاتی گره مشکلات زندگی و احتیاجات روزانه بشر را گشوده‌اند. آریایی‌ها شامل سه گروه هندوها، اروپایی‌ها و ایرانیان می‌باشند. از علائم و آثار تاریخی این‌گونه استنباط می‌شود که سه گروه مذکور که ملت آریایی را تشکیل می‌دهند در چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح همه در یکجا با هم زندگی می‌کردند (Kordpour, 2003:14). عقیده عمومی این است که کردها از اقوام ایرانی نژاد هند و اروپایی‌اند که از حدود ۴۰۰۰ هزار سال پیش در منطقه کردستان استقرار یافته‌اند. این قوم دسته‌ای از اقوام آریایی هستند که ابتدا در اطراف دریاچه وان، منطقه قفقاز و رود دجله پراکنده بودند و به‌تدریج که انسجام قومی و فضایی پیدا کردند، در منطقه کردستان کنونی مستقر شدند. قوم کرد به دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های مکان استقرار، به‌طور نسبی در انزوا به سر برده و کمتر در معرض تبادلات و تحولات فرهنگی و نژادی قرار گرفته؛ از این رو برخی معتقدند که قوم کرد بیش از دیگر اقوام ایرانی سالم و دست نخورده باقی مانده. این باور موجب شده که کردها خود را اصیل‌تر از دیگر ایرانیان بپندارند (Hafeznia, 2012:164).

(۴) دین و مذهب: طبق آثار و اسنادی که از کردستان به دست آمده است چنین می‌نمایاند که در کردستان قبل از اسلام ادیانی از قبیل مهرپرستی، زردشتی، مانوی و مزدکی وجود داشته است و حتی عده‌ای کلیمی و مسیحی نیز بوده‌اند که پس از حمله مسلمانان به ایران، کردها به‌تدریج مسلمان شده و اسلام پس از مدتی در کردستان گسترش یافته است. با ورود اسلام به سرزمین کردستان کردها به مرور به دین اسلام گرویدند و اکثریت مذهب تسنن را پذیرفتند. اکنون هرچند ادیان مختلف و متنوعی از قبیل دین‌های اسلام، اهل حق، علوی، ایزدی، آشوری و یهودی در بین مردم کرد رایج است با این حال به‌تقریب ۷۵ درصد از کردها سنی مذهب بوده (Rendel, 2000:35) که به لحاظ فقهی و عقیدتی پیرو امام محمد شافعی هستند و همین موضوع آن‌ها را از اعراب و ترک‌های سنی که پیرو امام ابوحنیفه هستند جدا می‌کند. حدود ۱۵ درصد از کردها نیز شیعه مذهب هستند (Mc. Dovel, 2001:53). توجه

صفویان به کردها سبب شد تا علیرغم میل باطنی آن‌ها به عثمانی‌ها گرایش پیدا کنند و از صفویان حمایت نکنند و این عملاً آغاز جدایی کردها از سرزمین مادری‌شان و تقسیم شدن بین چهار کشور بود.

در حاشیه غربی ایران، قلمرو اهل سنت شافعی مذهب در استان کردستان و بخش جنوبی استان آذربایجان غربی قرار دارد و به ناحیه کردنشین شیعه‌مذهب در ضلع جنوبی آن (استان کرمانشاه) و ناحیه شیعه‌نشین آذربایجان در غرب و شمال آن محدود می‌شود. از نظر پراکنش جغرافیایی کردهای شافعی مذهب ایران از دشت‌های زنگنه و شیلو در شمال شهرستان ماکو تا جنوب پاوه تقریباً به موازات مرز استقرار یافته‌اند و دارای گسترش نواری و حاشیه‌ای هستند (Ezzati, 2003:353). مناطق حاشیه‌ای سنی‌نشین کشور فاقد پیوستگی فضایی است و فواصل جغرافیایی میان آن‌ها، با بازوها و زبان‌های جغرافیایی بخش شیعه‌نشین مرکزی پر می‌شود (Hafeznia, 2002:146). البته مسلک‌های دیگری چون اهل حق و علی‌اللهی نیز وجود دارد. بنابراین صرف‌نظر از کردهای شیعه مذهب، اکثریت کردهای کردستان در مذهب با بخش مرکزی ایران تفاوت دارند و از این حیث با دیگر مناطق کردنشین خارج مرزها همسانی دارند.

اگرچه کردها در ریشه‌های نژادی، زبانی، تاریخی و برخی خصلت‌های فرهنگی با بخش مرکزی ایران دارای مشترکات هستند و همانندی‌هایی دارند؛ لکن از جهات مذهبی، قومی و زبان محاوره با بخش مرکزی ایران تفاوت دارند و در عوض با نواحی کردنشین خارج مرزها همگونی دارند. اجتماع این سه خصلت که فصل‌میز کردها از بخش مرکزی ایران و در مقابل پدیدآورنده نیروی جاذبه میان پاره‌های فضایی کردنشین خاورمیانه شده، زمینه بحرانی مداوم را در منطقه فراهم آورده است؛ به طوری که اجزای جدا افتاده قوم کرد، هریک در جستجوی کسب خودمختاری از دولت‌های مرکزی متبوع خود برآمده‌اند. کردهای ایران نیز در عین تمایل به خودمختاری، سودای باقی ماندن در ترکیب جغرافیایی سیاسی ایران را دارند (Hafeznia, 2012:165). مهرداد ایزدی می‌نویسد: فرهنگ سیاسی کردهای جنوبی (کرمانشاهی) و شرقی (خراسان) رنگ و جلای ایرانی دارد و بیشتر در چهارچوب فرهنگ سیاسی دولت قابل درک است تا یک فرهنگ سیاسی پان‌کردی، همچنین زبان کردی خراسانی و کرمانشاهی به فارسی نزدیک‌تر است (Ahmadi, 1999:78). امروزه مسائل قومی و نژادی نسبت به مسائل مذهبی از وزن و اهمیت بیشتری در میان کردها برخوردار می‌باشند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مذهب به‌عنوان یک عامل واگرا بین اقوام کرد با مرکز کشور بوده، اما در مقایسه با مسائل قومی نقش ضعیف‌تری ایفا می‌کند. همان‌گونه که ذکر گردید در کردستان گرایش به قومیت‌گرایی بیشتر از مذهب است.

(۵) میراث تاریخی: امروزه از دیدگاه‌های توسعه، میراث فرهنگی و تاریخی فقط به‌عنوان میراث ملی قلمداد نمی‌شوند، بلکه دارای ارزش‌های اقتصادی قابل توجهی بوده که موجب افزایش درآمد ملی و منطقه‌ای می‌شوند. استان‌های کردنشین از حیث برخورداری از قابلیت‌های تاریخی، فرهنگی جایگاه ممتازی دارند. آثار تاریخی به‌عنوان نماد هویت و تاریخ اصیل قوم کرد نقش بسزایی در پیوند مردم کرد با سرزمین مادری دارد. بیستون، غار کرفتو، قلعه زیویه، محوطه‌های باستانی تاریخی، موسیقی و رقص و آداب و رسوم رایج در این استان‌ها و آثار تاریخی و مذهبی و آیین‌های درویش‌قادریه و نقشبندیه از جمله قابلیت‌های با ارزش تاریخی و فرهنگی منطقه محسوب می‌شوند.

۶) فرهنگ، آداب و رسوم و موسیقی: کردستان از نظر فرهنگ و تمدن دارای سابقه‌ای بسیار درخشان است که نظیر آن در سایر نقاط کشور بندرت دیده می‌شود، نشانه‌های فرهنگی زبان، هنر (شعر و موسیقی) و آداب و رسوم به جای مانده، دلالت بر دیرینگی و قدمت فرهنگی منطقه دارند. کردها طی قرون متمادی با لباس محلی خود پیوند عاطفی، عقیدتی و سنتی شدیدی برقرار کرده‌اند و علاقه زیادی به حفظ و نگهداری لباس سنتی خود که نشانگر هویت فرهنگی آن‌هاست دارند. حتی در ابتدای حکومت پهلوی، هنگام زمامداری رضاخان که مقرر شد تمام مردم ایران لباس واحدی بپوشند، کردان در مقابل این دستور مقاومت نشان داده، لباس خود را تغییر ندادند. البته امروزه در برخی شهرهای بزرگ مانند سنندج، برخی از جوانان، لباس محلی را فقط در مراسم و جشن‌های خاص می‌پوشند و علاقه‌ای به استفاده از آن به‌طور معمول ندارند به همین دلیل در سنندج کمتر کسی دیده می‌شود که با لباس محلی در خیابان ظاهر شود.

یکی دیگر از جاذبه‌های مهم، ارزشمند و نشاط‌انگیز منطقه، موسیقی، آواز و رقص کردی است. موسیقی و رقص کردی در میان موسیقیهای محلی سرزمین ایران، یکی از اصیل‌ترین و قدیمی‌ترین موسیقیها و کاملاً آریایی است که با گذشت قرون متمادی هنوز اصالت خود را حفظ نموده است. در تمام ریتمهای رقص کردی حالتی از همداستانی، یگانگی و بدن‌سازی وجود دارد، دستهای رقصندگان در هم گره می‌خورند، گام‌ها همواره در یک مسیر حرکت می‌کند و چنان متوازن است که به رژه می‌ماند. برخی معتقدند رقص کردی در گذشته صرفاً با هدف آماده‌سازی و تقویت نیروی جسمانی و روحی مردم مناطق کوردنشین انجام می‌شد چرا که مردمان این مناطق در گذشته‌های نه چندان دور همواره شاهد جنگهای قبیله‌ای بودند و همین امر حفظ و آمادگی همیشگی را طلب می‌کرد. لذا مردمان این مناطق در وقفه‌های بین جنگها و به مناسبتهای مختلف دست در دست یکدیگر آمادگی رزمی و شور و همبستگی پولادین خویش را به رخ دشمنان می‌کشیدند.^۱ براساس مشاهدات و تجربیات و بررسی‌های صورت گرفته، موسیقی و آداب و رسوم کردی نقش برجسته‌ای در تقویت هویت قومی کردها دارد. همچنین کردها لباس محلی را نمادی از فرهنگ قومی خود می‌دانند و نسبت به آن پایبند هستند در مجموع می‌توان گفت لباس و پوشش محلی یک شاخصه فرهنگی و هویت ساز در بین کردهاست.

۷) جغرافیای تاریخی کردستان: لغت کردستان به معنی مناطقی که کردها در آن زندگی می‌کنند. محل زندگی کردها، سرزمینی به نام کردستان می‌باشد که به تدریج تحت تحولات مختلف سیاسی تجزیه گردیده و موجبات پراکندگی آن‌ها را فراهم آورده است (Salehi Amiri, 2006:162). محمد امین زکی در کتاب کرد و کردستان بیان کرده: اصل نام کردستان از طرف سلجوقی‌ها و به منطقه مابین آذربایجان و لرستان یا نواحی غربی زاگرس اطلاق شده است. در دوران باستان، مناطق کوردنشین، به نام یونانی کاردوخیا نامیده می‌شد و همچنین به نام یونانی- رومی کوردوئین نیز نامیده شده و سریانی‌ها نیز به آن کاردو یا قاردو می‌گفتند. به‌طور کلی نام کردستان در ۱۱۵۰م در عصر سلجوقی بر روی نقشه‌های جغرافیایی نقش بست؛ اما تاریخ زندگی کردها که وارثان و بازماندگان مادها هستند، به سه هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد که ساکن مناطقی بوده‌اند که امروزه کردستان نامیده می‌شود.

^۱-<http://mohsentahmasebi.blogfa.com>

سایر عوامل مؤثر در واگرایی و همگرایی کردها: تجربه‌های تاریخی حکایت از آن دارد که عامل خارجی در تکوین، رشد و تقویت جریان‌های قومی نقش برجسته‌ای دارد. یکی از زمینه‌های مهم بروز مناقشات قومی در سطح جهان، تلاش قدرت‌های بزرگ برای گسترش حیطه نفوذ و اقتدار خویش است. با توجه به اینکه حدود ۹۰ درصد از کشورهای جهان به درجات مختلف با ناهمگونی اجتماعی همبسته هستند، یکی از راه‌های نفوذ، استفاده از اقلیت‌های ناراضی این کشورها است که از اواخر دهه ۱۹۸۰ از آن‌ها بهره گرفته شده است. در این میان مسئله کردها بیش از سایر حرکت‌های قومی در خاورمیانه، رنگ بین‌المللی بخود گرفته است. یکی از تأثیر گذارترین قدرت‌های خارجی در مسئله کردستان، اتحاد جماهیر شوروی سابق بود که به ایجاد دولت خودمختار کرد در مه‌باد ۱۳۲۵-۱۳۲۴ کمک کرد. آمریکا نیز در اوج درگیری‌های انقلاب به علت خصومت با نظام به استراتژی تحریک گروهک‌ها پرداخت. در سالهای اخیر آمریکا و برخی کشورهای اروپایی با حمایت از گروه‌های ایرانی کرد خارج از کشور- نظیر کومله و دموکرات- امکانات زیادی برای فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در اختیار آن‌ها گذاشته‌اند به طوری که حزب دموکرات در بیش از ۲۰ کشور اروپایی و آمریکایی دفتر نمایندگی دارد (Mirzaee, 2006:150). از گذشته تاکنون کشورها با توجه به نقطه قوت خویش و ضعف حریف، از سلاح‌ها و راه‌های گوناگونی برای غلبه بر سایر کشورها سود جسته‌اند. هانس جی مورگنتا دخالت نیروهای خارجی در تشدید مسائل قومی- فرقه‌ای را یکی از نیروهای مورد استفاده در برقراری توازن قدرت بین‌المللی تلقی می‌نماید (Jahani, 2012:68).

از سایر عوامل و مولفه‌های اثرگذار ژئوپلیتیکی قوم کرد می‌توان به: رسانه‌های نوشتاری، دیداری، شنیداری، شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی، موقعیت حاشیه‌ای، دوری از مرکز، تشابه قومی با آنسوی مرز و پیوستگی سرزمینی، عوامل سیاسی شامل مشارکت در ساختار قدرت، نخبگان، شخصیت‌ها، مفاخر محلی و ملی، کم توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی، بیکاری، ضعف زیرساخت‌ها، تاریخ کهن، اصالت قوم کرد به‌عنوان یک قوم اصیل ایرانی و آریایی، اصالت سرزمینی و... اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعاتی که با مسئله قومیت مطرح می‌باشد مسئله امنیت ملی و راه‌های وصول به آن است که همواره در حال تحول است. در قرن بیست و یکم با توجه به تغییر در ماهیت تهدیدات و اهداف استراتژی، راه‌های وصول به امنیت نیز پیچیده و متفاوت گردیده است و استفاده از شیوه‌های گذشته نه تنها کاربردی نخواهد بود بلکه باعث افزایش درگیری‌ها خواهد شد. بنابراین توجه به معیارهای جدید مسئله تأمین امنیت برای رهبران یک کشور خصوصاً کشورهای قومی و فرهنگی برخوردار نیستند، حیاتی و سرنوشت ساز می‌باشد. یکی از مهم‌ترین گام‌های اساسی در زمینه تأمین و تقویت امنیت ملی، شناخت عوامل و مولفه‌های تهدیدکننده امنیت است. بحران‌های قومی یکی از این علل و عوامل است که تأثیر آن در واحدهای سیاسی و مناطق جغرافیایی متفاوت می‌باشد. مولفه‌های تاثیرگذار همگرایی و واگرایی قوم کرد بر امنیت ملی بسیار متعددند. برخی از این مولفه‌ها نقش نسبتاً ثابتی در فرایندهای امنیت ملی دارند و برخی دیگر تحت شرایطی قابل هدایتند و امکان تحول در کارکردهای آن‌ها وجود دارد. مطالعه و تجزیه و تحلیل یافته‌های توصیفی، پژوهش‌ها و مطالعات پیشین پیرامون مولفه‌های

همگرایی و واگرایی قوم کرد در فضای جغرافیای سیاسی ایران، بیانگر اهمیت و تاثیرگذاری این مولفه‌ها بر امنیت ملی است.

بین امنیت ملی و مولفه‌های ژئوپلیتیکی قوم کرد رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحقیقات پیشین و بررسی‌های انجام شده موید این فرضیه است. عواملی مانند توپوگرافی منطقه، گروه‌های قومی آنسوی مرز، هویت خواهی قومی، بی عدالتی جغرافیایی، ارتباطات نامناسب ریلی و جاده‌ای، نقش مذهب، میزان قدرت دولت مرکزی، همزمانی ضعف دولت‌های مرکزی و اوجگیری تحرکات واگرایی کردی، میزان مشارکت در ساختار قدرت، در ادوار مختلف بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار بوده‌اند.

کردها به اعتبار ملاحظات قومی در کنار پارس‌ها و پارت‌ها یکی از سه قوم تشکیل‌دهنده هسته اولیه امپراطوری‌ها و شاهنشاهی‌های ایران باستان بوده‌اند. از سوی دیگر تردید جدی در مورد پیوستگی زبان کردی به زبان فارسی نشده و اطلس‌های معتبر قومی زبان کردی را جزو شاخه‌های آریایی و ایرانی محسوب می‌نمایند. کردها پاسدار آداب و رسوم ملی ایرانی، از جمله جشن‌ها و اعیاد ملی نظیر نوروز، چهارشنبه سوری و... هستند. تاریخ اقوام کرد به نوعی تاریخ ایران بوده و در این تاریخ مشترک کردهای عراق و ترکیه نیز شریک هستند. شهروندان کرد مدت‌ها است که تعاملات فرهنگی، اقتصادی و تجاری رو به افزایشی را با سایر گروه‌های قومی مرکز فلات آغاز کرده‌اند.

در مجموع اگرچه کردها در ریشه‌های نژادی، زبانی و تاریخی و برخی خصلت‌های فرهنگی با بخش مرکزی ایران اشتراکات و همانندی‌هایی دارند، لکن از جهات مذهبی، قومی و زبان محاوره با بخش مرکزی ایران تفاوت دارند؛ در عوض با نواحی کردنشین خارج از مرزها همگونی دارند. حافظ نیا معتقد است اجتماع این سه خصلت که فصل‌میز کردها از بخش مرکزی ایران و در مقابل پدیدآورنده نیروی جاذبه میان پاره‌های فضایی کردنشین خاورمیانه شده، زمینه بحرانی مداوم را در منطقه فراهم آورده است، بطوری که اجزای جدا افتاده قوم کرد، هر یک در جستجوی کسب خودمختاری از دولت‌های مطبوع خود برآمده‌اند. کردهای ایران نیز در عین تمایل به خودمختاری، سودای باقی ماندن در ترکیب جغرافیای سیاسی ایران را دارند.

علی‌ای حال یکپارچگی بیشتر دولت-ملت‌ها همواره متأثر از دو نیروی مخالف همگرا و واگراست. نیروهای واگرا کار دولت را برای یکپارچه کردن مردم و قلمرو در یک مجموعه منسجم و هماهنگ مشکل می‌کنند. اختلافات فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی میان جمعیت‌ها یا موانع جغرافیایی و تماس میان مناطق مختلف همگی می‌توانند در حکم نیروهای مرکزگرای عمل کنند. اگر نیروهای مرکزگرایز را بدون نظارت هرگونه سیستم متعادل کننده‌ای به حال خود واگذاریم موجب فروپاشی کشور می‌شوند (Moyer, 2000:199).

نتیجه برخی تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که معمولاً مناطق و استان‌های کردنشین در هر سه کشور، به لحاظ شاخص‌های توسعه جزو مناطق بسیار محروم بوده‌اند. البته توسعه نیافتگی و محرومیت مناطق کردنشین دلایل متعددی دارد که به برخی از آن‌ها مانند نوع رفتار جنبش‌های کردی، توپوگرافی منطقه، دوری از مرکز، نوع نگاه دولت‌ها به کردها، محدودیت امکانات و منابع و... می‌توان اشاره نمود.

براساس تجزیه و تحلیل یافته‌های توصیفی، پژوهش‌ها و مطالعات پیشین پیرامون مولفه‌های همگرایی و واگرایی قوم کرد در فضای جغرافیای سیاسی ایران، نتایج بیانگر این است که مولفه‌های واگرایی قوم کرد عبارت‌اند از: توسعه

نیافتگی، احساس محرومیت و تبعیض، تفاوت مذهبی، ساختار توپوگرافیک منطقه، مشارکت نابرابر در ساختار قدرت، دوری از مرکز، سیستم ارتباطی نامناسب، بی عدالتی جغرافیایی و فضایی، حرکت‌های استقلال طلبانه، کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، مراکز و مؤسسات مطالعاتی ویژه اقوام ایرانی، نفوذ اطلاعاتی در میان نخبگان کرد، تهیه طرح‌های اغواکننده مانند طرح خاورمیانه بزرگ، بالکانیزه کردن خاورمیانه و عوامل همگرایی و تقویت‌کننده امنیت ملی قوم کرد عبارت‌اند از: اشتراکات فرهنگی و نژادی با مرکز، ریشه‌های تاریخی مشترک، مفاخر ملی، دین مشترک، آرمان سیاسی مشترک، نمادهای ملی، اقتدار حکومت مرکزی. البته در بحث مذهب بخشی از مناطق کردنشین ایران مانند کرمانشاه با اکثریت جامعه ایران اشتراک مذهبی داشته و بخشی نیز مانند کردهای ساکن استان‌های آذربایجان غربی و کردستان دارای افتراق مذهبی با اکثریت جامعه ایران می‌باشند که همین مسئله تأثیر زیادی در واگرایی کردها داشته است. در مجموع به نظر می‌رسد مولفه‌های واگرایی قوم کرد نسبت به مولفه‌های همگرا از وزن بیشتر برخوردار هستند.

پیشنهادها

تقویت همگرایی و کاهش واگرایی اقوام در کشورهای چند قومی مانند ایران تضمین‌کننده حفظ، استمرار، ارتقاء و تقویت امنیت ملی آن کشور است، فلذا از مهم‌ترین راهبردها در راستای تقویت همگرایی و تضعیف واگرایی اقوام به‌ویژه قوم کرد می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

(۱) تلاش برای توسعه بیشتر و رفع عقب ماندگی‌های اقتصادی، بهبود و ارتقاء سطح زندگی و معیشت مردم مناطق کردنشین به‌ویژه جدار مرزها.

(۲) ایجاد زمینه‌ها و بسترهای حضور و مشارکت بیشتر نخبگان و تحصیل کردگان کرد در ساختار سیاسی و ارکان تصمیم‌گیری نظام براساس لیاقت و شایستگی.

(۳) گسترش شبکه راه‌ها به مناطق داخلی و عمقی کشور و کشورهای همسایه و اتصال آن‌ها به شبکه حمل‌ونقل سراسر کشور و توسعه حمل‌ونقل هوایی، ریلی و جاده‌ای

(۴) فراهم نمودن تسهیلات بیشتر برای استخدام و بکارگیری جوانان کرد در دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی فارغ از فاکتورهای مذهبی

(۵) تقویت دولت‌های محلی و واگذاری بیشتر اداره امور محلی به نخبگان قومی مناطق کردنشین

(۶) تقویت هویت ملی در کنار هویت کردی و ایجاد حس همبستگی و وابستگی بین قوم کرد با سایر مناطق و گروه‌های قومی کشور

(۷) تقویت و توسعه سازمان‌های مردم نهاد و غیردولتی و گروه‌ها و احزاب سیاسی در چارچوب قانون اساسی در راستای افزایش بینش سیاسی مردم مناطق کردنشین

(۸) تأسیس و توسعه کارخانجات، صنایع و معادن در استان‌های کردنشین به‌ویژه ایجاد تأسیسات در کنار معادن و چاه‌های نفتی

(۹) ترویج و تبلیغ نگاه فرصت محور به اقوام از جمله قوم کرد و پرهیز از هر نوع نگاه تهدید محور برای اعتمادسازی

- ۱۰) ضرورت پرهیز از هرگونه برخوردهای سلبی و قهری در راستای تقویت همگرایی و ایجاد حس همبستگی و تعلق خاطر و وابستگی به سرزمین
- ۱۱) ایجاد بازارچه‌های مرزی و تلاش برای ایجاد اشتغال و رفع بیکاری
- ۱۲) مبارزه جدی با مسئله قاچاق (سلاح و مهمات، مشروبات الکلی، مواد مخدر، دام و...) در غرب کشور
- ۱۳) تقویت زبان ملی بعنوان زبان مفاهمه ملت ایران و در کنار آن جلوگیری از تضعیف زبان‌های محلی
- ۱۴) تلاش در جهت شناخت نقاط مشترک در آداب و رسوم و جلوگیری از توسعه نقاط افتراق

References

- Abdi, Ata'allah. (2010). Ethnic Politics in Multi-Ethnic Countries and Provide the Optimal Model, Kurdistan and Azerbaijan Case Study. Ph. D. Thesis. Tarbiat Modarres University. [In Persian]
- Ahmadi, Hamid. (1999). Ethnicity and Sectarianism in Iran; From Myth to Reality, Tehran: Ney Publication. [In Persian]
- Alipour, Abbas. (2011). The Impact of Ethnic Policies on Convergence and Divergence of the People in the Sistan and Baluchestan and Kurdistan Provinces After the Islamic Revolution, PhD. Thesis. Islamic Azad University, Science and Research Branch. Faculty of Human Science. [In Persian]
- Almasi, Hossein. (2006). Geopolitics of Kurdistan Province with Emphasis on Diverse Parameters. Master Thesis. Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran. Faculty of Human Science. Geopolitics Group. [In Persian]
- Ezzati, Ezzatollah. (2009). Geopolitics, {In Persian}. Tehran: Samt Publication. [In Persian]
- Ezzati, Ezzatollah. (2014/2/14). Interview. Unpublished. [In Persian]
- Ezzati, Ezzatollah. (2014/4/16). Interview. Unpublished. [In Persian]
- Hafeznia, Mohammadreza. (2002). Political Geography of Iran, Tehran: Samt Publication. [In Persian]
- Hafeznia, Mohammadreza. (2006). Principles and Concepts of Geopolitics, Mashhad: Papoli Publication, First Edition. [In Persian]
- Hafeznia, Mohammadreza. (2012). Political Geography of Iran, Tehran: Research and Development of Human Science Books for Universities Publication (Samt). [In Persian]
- Izadi, Pirooz. (1993). Water, Security and Middle East. Report of the Institute for Strategic Studies, London, Translated by Imam Hossein University. [In Persian]
- Ghanbari, Aliashghar. (2014). The Impact of Geopolitical Developments in Afghanistan and Pakistan on the national security strategy Codification of the Islamic Republic of Iran, PhD. Thesis. Imam Hossein University, Payambare A'zam Faculty, Regional and International Studies Group. [In Persian]
- Golverdi, Isa. (2012). Races of Iran and Field of Convergence. Tehran: Komeil Publication, First Edition. [In Persian]
- Graham Fuller. Translated by Abbas Mokhber. (1994). Kiblah of the Universe; Geopolitics of Iran. Tehran: Markaz Publication.
- Haget, Pitter. Translated by Shapoor Goudarzinejad. (2004). New Combinatorial Geography, {In Persian}. Tehran: Samt Publication.
- Jalaeepour, Hamidreza. (1993). Cause of the Continuing Crisis in Kurdistan After the Islamic Revolution. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
- Jahani, Mohammad. (2012). Religious Minoritism in Balochistan and Its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran, Master Thesis. Imam Hossein University. Faculty of Payambar-e-A'zam. [In Persian]
- Jaures Blou. (2000). Kurd Problem. Translated by Parviz Amin. Kurdistan University Publication.
- Kaviani, Morad. (2010). Regionalism in Iran of Terms of Political Geography, Tehran: Institute for Strategic Studies. [In Persian]
- Kendal. (2000). Turkey's Kurdistan. Translated by Namigh Safizadeh. Tehran: Nazir Publication, First Edition.
- Kinan, Derek. Translated by Ibrahim Younesi. (1997). Kurds and Kurdistan. Tehran: Negah Publication.

- Kordpour, Mas'od. (2003). Geopolitical Analysis of Iraq's Kurdish Crisis and Its Impact on National Security of Iran, Master Thesis. Central Branch of Tehran Islamic Azad University, Faculty of Human Science, Political Geography Group. [In Persian]
- Kuchra Chris. Translated by Ibrahim Younesi. (2007). Kurdish national movement. Tehran: Negah Publication Institute.
- Mandel, Robert. (1998). Diverse Face of National Security. Translated by Institute of Strategic Security Studies. Tehran: Institute of Strategic Security Studies Publication.
- Mc. Dovel, David. Translated by Ibrahim Younesi. (2001). Contemporary History of Kurds, {In Persian}. Tehran: Paniz Publication. First Edition.
- Mehrabi, Alireza. (2007). Geopolitics and Evolution of Government Idea in Iran, Tehran: Entekhab Publication. [In Persian]
- Mehri, Abbas. (2002). The Concept of National Security and Its Impact on Sustainable Development, Tehran: Quarterly of Strategic Defensive Studies. Issue 15. [In Persian]
- Mirzaee, jalal. (2006). Ethnic Gap, The Kurdish Government and National Security. PhD. Thesis for Political Science. Tehran University. [In Persian]
- Mohsenizadeh, Mohsen. (2010). Establishment of Kurdish Regional Government in Iraq and Its Impact on Kurdish areas in Iran, Master Thesis for Strategic Information Field, Imam Hossein University. Faculty of Payambare A'zam. [In Persian]
- Mohammadi, Hamidreza & Khaledi, Hossein. (2012). Geopolitics of Iraq's Kurdistan, Tehran: Entekhab Publication. [In Persian]
- Mojtahedzadeh, Pirooz. (2002). Geopolitics and Geographical Policy, Tehran: Research and Development of Human Science Books for Universities Publication (Samt). [In Persian]
- Moyer, Richard. Translated by Dareh Mirheydar. (2000). New Insight Towards Geopolitics, Tehran: Armed Forces Geographical Organization. First Edition. [In Persian]
- Pishgahifard, Zahra. (2010). Political Geography of Iran, Class Notes. P70-71. [In Persian]
- Rabee'I, Ali. (2005). National Security Studies. Tehran: Political and International Studies Office. [In Persian]
- Rendel, Johnathan. (2000). What Forgiveness with This Scandal (Analysis of Political Issues of Kurdistan), Translated by: Ibrahim Younesi. Paniz Publication. [In Persian]
- Sajjadi, Alla'edin. (1999). De Qe Kani e Bi Kurdi. Baghdad: Kuri Xaniari Iraq. [In Persian]
- Salehi Amiri, Sayyed Reza. (2006). Management of Ethnic Conflicts in Iran: Review of the Existing Models and Providing Desirable Models, Tehran: Strategic Research Center of the Expediency Council. [In Persian]
- Shams, Ismael. (2013). History and Culture of the Kurdish People, History and Geography Book of the Month. Issue 188. [In Persian]
- Smith, Anthony. (1998). Nationalism Ethnic Sources, Tehran: Quarterly Journal of Strategic Studies, First Pre Issue.
- Younesi, Ibrahim. (2001). Robert Elsen. Kurd Problem and Iran-Turkey Relations. Tehran: Paniz Publication. [In Persian]
- <http://www.lib.utexas.edu/maps>
- <http://en.wikipedia.org>
- www.kurdish.com
- <http://www.kurdistanmedia.com>
- <http://mohsentahmasebi.blogfa.com>
- <http://mohsentahmasebi.blogfa.com>
- <http://www.lib.utexas.edu/maps>